

آتشگاه

کردستان

شماره

۵۵

در این شماره ...

ماجرای جویسی رژیم در
منطقه!

صفحه ۲

آنجا که فولاد
آبدیده شد!

صفحه ۵

زندگی و شعر عبدالله په شیو
شاعر معاصر کردستان عراق

صفحه ۶

ارمغان جمهوری اسلامی برای
توده های تحت ستم!

صفحه ۸

پنجاه و هشتمین سالگرد
کودتای ۲۸ مرداد

صفحه ۹

این کردستان است
این کردستان ایران است
که چنین در خون می درخشد
این آتشها که امروز در یخ فروخته
اند

این آتشیهای تکه تکه شده خون
این آتشیهای شانه و پیشانی و قلب
این آتشها که از بند بند کردستان
زبان می کشند

فانقوم ها را می سوزانند
تانک ها را می سوزانند
امپریالیسم و عمالش
را می سوزانند

فتوای جهاد و
وحشیگری
علیه خلق کرد ...
صفحه ۳



همانطور که قبلاً اعلام کردیم بعد از مدت زمان مدیدی که از توپباران و بمباران کردن مناطق مرزی کردستان عراق میگذرد، مزدورهای سپاه پاسداران عملیات زمینی علیه گریلاهای پژاک را آغاز نموده و درگیریهای سختی در کوهستان قندیل آغاز گردید که در روز نخست دهها تن از مهاجمین مرتجع توسط گریلاهای پژاک به هلاکت رسیدند. خبرهای مربوط به توپباران مناطق مرزی و درگیری میان گریلاهای حزب حیات آزاد کردستان پژاک

کنند. این فرمانده سپس تاکید کرده بود که «علیه این تروریست‌ها اقدام خواهد شد» و این حق برای جمهوری اسلامی محفوظ است تا مراکز تروریستی را در نواحی مرزی «مورد هدف قرار داده و آن‌ها را «سرکوب و نابود» کند. در همین رابطه ناظم دباغ، نماینده کردستان عراق، در گفت‌وگو با خبرگزاری ایسنا، خبر واگذاری سرزمینی به مساحت ۳۰۰ هزار هکتار به پژاک را نادرست خواند. جمهوری اسلامی چندین بار نواحی مرزی کردستان عراق توپباران و

ماجرای جوی رژیم در منطقه!



بمباران کرده در تاریخ ۲۰/جولای/۲۰۱۱ در ساعت ۶ صبح سپاه پاسداران سعی در عبور از این حمله‌ها مرز و تعرض به خاک جنوب کردستان را داشت که با مقاومت نیروهای گریلا شدن عده‌ای مواجه شد. از این روز مجموعاً ۶ درگیری بین غیرنظامیان و سپاه پاسداران روی داد که تا عصر همان روز ادامه داشت و مناطق مرزی سپاه پاسداران با وجود اینکه در حملات خود از حمایت توپ و تعدادی تانک و عراق شده برخوردار بود، مجبور به عقب نشینی شد. در این درگیریها ۵۷ پاسدار کشته شده و تعداد دیگری از نیروهای متجاوز سپاه نیز زخمی شدند.



حالی است که مقامات حکومت منطقه ای کردستان عراق عملاً هیچ موضعگیری در قبال توپبارانهای جمهوری اسلامی تاکنون از خویش نشان نداده اند. در نتیجه حملات نیروهای سپاه پاسداران به مناطق مرزی کردستان و روبرو شدن با مقاومت گریلاهای حزب حیات آزاد کردستان، ضربه مهلکی به نیروهای رژیم وارد شده است. بر اساس گزارش منابع رسمی رژیم، در اثر حملات مذکور چندین فرمانده ارشد سپاه پاسداران توسط گریلاهای پژاک کشته شده‌اند. این در حالی است که آمار تلافیات نیروهای نظامی ایران به مراتب فراتر از موارد اعلامی توسط رسانه‌های

مزدورهای سپاه پاسداران در روز یکشنبه ۷ ژوئیه / ۲۶ تیر و کمتر از یک هفته پس از آن منتشر شد که جمهوری اسلامی اعلام کرد، این را حق خود می‌داند که به پایگاه‌های پژاک در خاک عراق حمله کند. یک مقام نظامی ایران در تاریخ ۱۱ ژوئیه / ۲۰ تیر مسعود بارزانی، رئیس حکومت حریم کردستان عراق را "خائن" نامیده و گفته بود که این دولت ۳۰۰ هزار هکتار زمین را در کردستان عراق به پژاک واگذار کرده است. این فرمانده نظامی جمهوری اسلامی سپس اعلام کرد که به "تروریست‌ها" اجازه داده نخواهد شد که با حمایت آمریکا یا اسرائیل در خاک عراق لانه

فتوای جهاد و وحشیگری

علیه خلق کرد ...



مادرم گریه کن بر مزارم زار. که اینک زاری رواست. فراوان گریه کن مادرم. سرشک خونینت بجاست

فضای دمکراتیک ، مصادره اراضی فئودالها ، مدیریت و کنترل شهر و روستاها تشکیل می دادند . در هر جایی که توده ها مدیریت و کنترل کارها را به دست می گرفتند ارتجاع متعمل ضربه ای مهلک می گشت و به همین خاطر ارتجاع در هراس از قدرت گیری توده ها و بمنظور سرکوب این مبارزه گسترده ارگانهای سرکوب نظامی خویش را دوباره بازسازی نمود و این برترین وظیفه ای بود که رژیم بمنظور حفظ حاکمیت خویش در برابر ضربات سهمگین امواج انقلاب میتوانست انجام دهد . از اینرو پرده های فریب و ریا را به کنار زد و با اعلام هجوم نظامی و کشتار زحمتکشانش کرد ، نظام ضربه دیده و ضعیف دستگاه بوروکراتیک -

خاک و میهن معرفتی و برابر صفوف انقلاب خود و نیروی خویش را سازماندهی و بازسازی نمود . حاکمیت ضد انقلابی ناچار بود در برابر صفوف انقلاب خود و نیروی خویش را سازماندهی کند . به همین خاطر در دومین ماه پس از پیروزی قیام ، انقلاب اول در سنندج و سپس در ترکمن صحرا هدف هجوم حاکمان تازه بقدرت رسیده قرار گرفت . در خرداد سال ۵۸ جنبش خلق عرب در شرایط نبود رهبری منسجم و انقلابی از جانب مزدوران ارتجاع به طرزی وحشیانه و در دریای خون کارگران و زحمتکشانش عرب خفه گردید . ضدانقلاب مست و هار از این پیروزی مقطعی این بار درصد و سرکوب جنبش توده ها در کردستان برآمد . اما شرایط ویژه کردستان ، تاریخ طولانی مدت مبارزه توده ها در این منطقه ، سطح جنبش ، گستردگی و میزان سازماندهی زحمتکشانش فعال در این جنبش همگی عوامل بودند که در مقابل هجوم گسترده ارتجاع و رسیدن به اهدافش مانع می شدند . با صدور فتوای << جهاد >> از جانب خمینی ، ارتش یا همان دستگاه سرکوب و به زنجیر کشیدن کارگران و زحمتکشانش در جامعه سرمایه داری ه در طول قیام درهم شکسته شده بود ، جان تازه ای گرفت و با اتکا به خرافات مذهبی توده های مردم ، علیرغم وجود اعتراضات گسترده در میان سربازان و پرسنل انقلابی ، سنندج و کرمانشاه و مناطق دیگر پایه را مورد هجوم قرار داد . از همان روز ارتشهای مستقر در

ارتش وظیفه استقرار امنیت و آسایش سرمایه داری و اتحاد و بکدستی جامعه بورژوازی که جز از راه سرکوب و کشتار به انجام نمی رسید را به عهده گرفت . هجوم به کردستان در شرایطی انجام گرفت که توده های زحمتکش خلق کرد بدلیل شرایط دمکراتیکی که نتیجه قیام ۵۷ بود ، روز به روز با اراده تر برای تحقق مطالبات بر حق خویش ، مبارزه خویش را گسترده تر می ساختند . آنها در سطحی وسیع وارد میدان سیاست و مبارزه برای حفظ و توسعه دستاوردهای قیام بزرگ بهمن ۵۷ شده بودند . توده های ستمکش که طومار یکی از فاشیستی ترین رژیمهای سیاسی معاصر را درهم پیچیده بود ، خالی کردن میدان مبارزه و تسلیم در برابر رژیم دیگری همچون رژیم شاه را هرگز نمی پذیرفت . این موضعگیری به خوبی خود را در اعتراضات روزانه کارگران ، زحمتکشانش و توده های مردم انقلابی بر علیه رژیم تازه به قدرت خزیده نشان میداد . کارخانه و کارگاه و مدارس ، شهر و روستا همگی صحنه های پرجنب و جوش و خروش این اعتراضات بودند که روز به روز گسترش می یافت . ابزارهای این اعتراضات شوراها ، بنکه ها (مراکز) و مراکز دمکراتیک بودند که کارگران و زحمتکشانش با فعالیت در آن تلاش و کوشش بمنظور بسط جو و

با صدور فرمان ((جهاد مقدس)) در ۲۸ مرداد ۵۸ از جانب خمینی جنایتکار ، ارتش سرکوبگر هجوم گسترده خویش را علیه کردستان و دستاوردهای دمکراتیک خلق کرد آغاز نمود . ظهر روز ۲۸ مرداد و هنگامی که رادیو ارتجاع ضمن تبلیغات جنون آمیز و شونیستی << جهاد مقدس >> خمینی علیه زحمتکشانش خلق کرد را همراه با ترس و وحشیگری اعلام نمود ، عظمت جنبش خلق کرد و حقانیت مبارزه ای را به نمایش گذاشت که میلیونها کارگر و زحمتکش در صفوف پولادین ، فعالین متبکر آن بودند . جنبشی که ستونهای حاکمیت ضدانقلابی جمهوری اسلامی را به لرزه درآورد و ناقوس مرگ و نابودی آنرا به صدا درآورده بود . در این روز ارتجاع حاکم در حالت ضعف و عقب نشینی در برابر گسترش مبارزه اجتماعی توده ها ، همانند اسلاف ستمکار خویش ، توطئه های ارتجاعی و تاریخی خویش ، که قیام توده ای بهمن ۵۷ قدیمی بودن آنرا به اثبات رسانده بود و آنرا مدفون ساخته بود ، از زیر خروارها خاک بدر آورد و با شکار آزاد سازی مذهب و دین و میهن ، دلخراش ترین شیوه های وحشیگری و ارتجاعی خویش را به نمایش گذاشت . کارگران و زحمتکشانش بار دیگر مورد تهاجم زهرآگین بورژوازی قرار گرفتند ، میهن فرش و دشمن یکپارچه ای

پادگان سندانج با رفت و آمد در داخل شهر سندانج بمنظور ایجاد رعب و وحشت به قدرت نمایی پرداختند . روز ۲۹ مرداد ستون نظامی متشکل از تانک و توپ و انواع سلاح سنگین بسوی شهر سقز به راه افتاد و راه خویش را از میان مقاومت حماسی توده های مردم که با سلاح سبک و حتی قدیمی به جنگ تانکها و سلاحهای پیشرفته آمده بودند گشود . همزمان شهر سقز بوسلیه هواپیماهای نوع فانوم و توپهای سنگین بمباران شد . ارتش پس از ۳ روز با درهم شکستن مقاومت قهرمانانه توده های مردم ، شهر سقز را اشغال نمود . پس از اشغال شهرهای پاره ، سندانج و سقز از جانب ارتش و سپاه پاسداران ، سردمداران رژیم که درصد سرکوب یکبارهجنبش بزرگ عمومی بودند ، بمنظور استحکام ستونهای حاکمیت ضدانقلاب خویش ، اعدام و ترور انقلابیون و زحمتکشانشان را در سطحی گسترده آغاز نمود . به همین منظور خلخال کثیف ترین فرد ترور و کشتار دستجمعی به کردستان آمد و مرزهای جدیدی از خونریزی و جنایات را ترسیم نمود . بیداد گاههای صحرائی خلخال که به جبهه اصلاح طلبان ادعای آزادیخواهی او و همکاریاش گوش فلک را کر کرده بود . نمونه ای از آن چیزی بود که بعدها در سراسر ایران به اجر در آمد . در دو روز اول تشکیل دادگاههای قرون وسطایی خلخال ، بیش از ۴۰ نفر از انقلابیون جان فدای میهنمان به جوخه اعدام سپرده شدند . در میان این مبارزین میتوان از رفقای فدایی شهید یوسف کش زاده ، جمیل یخچالی ، احسن ناهید ، شهریار ناهید ، هرمزگرگی بیانی و دکتر رشوند سرداری یاد کرد کا تا آخرین دقیق زندگی و فدا کردن جان خویش بر عقاید خویش و حقانیت جنبش انقلابی خلق کرد راسخ بودند و به خاطر دفاع از آرمانهای انقلابی این جنبش نیز تیر باران گردیدند . خلخال و دستگاه تصمیم گیرنده جمهوری اسلامی ، بی شرمی خویش را تا به انجام رساند که احسن ناهید را پایش زخمی بود بر روی برانکار تیر باران نمود . رژیم نقاب از چهره فریب و دروغ خویش برداشته بود و بیرحمانه مشغول کشتار و قتل و اعدام بود . و نمونه بسیار بارز آن وحشیگری در شهر سقز به اجرا در آمد . جمهوری اسلامی در هراس از

تمامی جنبش برابری توده ها با مبارزه انقلابی خلق کرد ، همزمان با هجوم به کردستان ، هجوم گسترده خویش به دستاوردهای دمکراتیک قیام بهمن ۵۷ را در سراسر ایران آغاز نمود . ضدانقلاب حاکم درصدد انجام ۲۸ مرداد دیگری از نوع سال ۳۲ بود که از جانب امپریالیسم آمریکا و رژیم شاه به انجام رسیده بود و هدف آن کشتار و از میان بردن سازمانهای انقلابی و نهادهای دمکراتیک توده ای بود . اما اگر سردمداران کودتای در شرایط نبود رهبری انقلابی و توده های سازماندهی شده قادر گردید جنبش کارگران و زحمتکشانشان را سرکوب نماید و دیکتاتوری ۲۵ ساله خویش را حاکم نماید . جمهوری اسلامی از اولین هجوم گسترده خویش با مقاومت حماسی و سرسختانه توده های مردم و نیروهای انقلابی و مبارز روبرو گردید . قلب پر حرارت و مسلح چنین مقاومت حماسی کردستان بود . رژیم همزمان با هجوم به کردستان ، هجوم خویش به ستادهای نیروهای انقلابی را آغاز نمود و در یکمین قدم هجوم خویش به ستادهای مرکزی سازمان چریکهای فدایی خلق ایران را آغاز نمود و تمامی نشریات و روزنامه های انقلابی را توقیف نمود . بیش از ۳۰ روزنامه که تا آنزمان به صورت علنی اخبار مبارزه توده های مردم را در سطحی گسترده منتشر میساختند و در آن میان نشریات سازمانهای انقلابی و مترقی ممنوع گردیدند و تعداد کمی از نشریات و روزنامه نیز که منتشر میشدند نیز سانسور میشدند . سردمداران ارتجاع تلاش می کردند مقاومت قهرمانانه خلق کرد در توطئه سکوت سرکوب گردد . اما انقلاب ریشه دار تراز آن بود که مرتجعین فکر آن را میکردند . نشریه << کار >> که در صدر لیست نشریات << مضر >> بود در تیراژی وسیع و به صورت مخفی به چاپ می رسید و جنایتهای پاسداران و مزدوران رژیم در کردستان را منتشر می ساخت و چهره راستین ارتجاع را در نزد توده ها افشا می ساخت . ادبیات زیر زمینی و فعالیت نیمه مخفی در زمان کوتاهی جانشین فعالیت علنی و گسترده سیاسی گردید و توده های مردم با تغییر شیوه های فعالیت و مبارزه خویش ، در سطحی وسیع و



جریان‌ات ، ارتباط دو طرف نیروهای سیاسی ، ارتباطات زندانیان سیاسی با دیگر زندانیان عادی و غیر سیاسی ، شناسایی آندسته از زندانیایی که به خدمت رژیم در آمده اند . مسئله ارتباط گیری و شیوه و طرق گوناگون آن ، مسئله ارتباط گیری با خارج زندان ، کسب اخبار و ارسال اخبار به خارج زندان ، ملاقات ، بازجویی ، دادگاه ، شکنجه ، برخورد زندانبانان با زندانی ، شیوه برخورد با تغییر رفتار زندانبانان ، تاثیر حتمی و غیر قابل انکار شرایط و اوضاع جامعه بر زندان ، اخذ تاکتیکهای مناسب با تغییر شرایط و اوضاع جامعه

، چشم انداز تاکتیکها ، خنثی نمودن تاکتیکهای زندانبانان برخورداری از تجزیه و تحلیل دقیق و صحیح از وقایع جامعه و بسیاری از مسائل صنفی و سیاسی ، اینها تماما صحنه ها و میادین مختلفی هستند که هیچ شکنجه و اذیت و آزاری نخواهند توانست آنرا محدود نمایند . ارتجاعی ترین و وحشی ترین حکومتهای سرمایه داری همانند جمهوری اسلامی تنها خواهند توانست نه ماهیت ، بلکه شیوه های چنین فعالیتی را تغییر دهند . البته چنین ارتباطاتی ، خود بخود از ابتدا و به یکباره بروز نخواهد یافت . بطور مثال ما به یکباره و بدون هیچگونه مقدمه ای و پروسه ای از حرکت بسوی ماهیت فوق الذکر ، شاهد شکل گیری یکی از ارتباطات نخواهیم بود . بلکه هرکدام از آنان ، چه منفرد و چه در ارتباط با یکدیگر ، محصول پروسه ای از حرکت میباشند ، پروسه ای که دستگیری عنصری انقلابی و مبارز در جریان آن قرار می گیرد . با دستگیری که خود نقطه عطف و شروع چنین حرکتی است ، جریان ربه رشد بروز میابد . تدریجا عوامل ارتباطات پدیده های زندان در شیوه های مختلف از همان ابتدا در اطراف زندانی و ارتباط او با دیگر ارتباطات جدید شکل خواهد گرفت و در

زندانیان نیز دانشگاه انقلاب است . زندان برخلاف آنچه که همواره از جانب نیروهای بی عمل و بی اراده و ناامید دامن زده می شود میدانی است از میادین پهناور و گسترده مبارزه طبقاتی . زندان مرکزیت از مراکز مبارزه علیه حاکمیت سرمایه و پاسداران نظام سرمایه داری . مرکزی که در آن مبارزه حادثتر ، مستقیم و رو در رو است و چهره نفرت انگیز رژیم سرمایه درای به تمامی و آشکارا در آن خود نمایی میکند . ارتباطات و روابط و مناسبات پرپیچ و خمی که در چهارچوب زندان حاکم است ، عمق ماهیتی را آشکار میسازد که زندگی به ظاهر عادی و بدون تغییر زندانی در زنجیر را نشان می دهد . شکنجه و شلاق هر چه محکمتر باشد به همان اندازه مقاومت بیشتر است . عمق این ماهیت نیز عمیقتر خواهد شد . در جریان این زندگی خونین ، مقاومتی سر بر میاورد که منشا آهگاهی و کینه طبقاتی عمیق و ژرفی میباشد . صحنه های فعالیت گسترده در جریان این زندگی بظاهر ساده ، انقلابیون و کمونیستهای مقاومی میسازد و فولاد را آبدیده خواهد ساخت . مقاومت در برابر شکنجه و شیوه پایداری ، ارتباط با دیگر زندانیان و جریانات سیاسی ، ارتباطات داخلی این

تتها محدود به محل شکنجه میکنند ، حفظ خویش و نجاتشان از زندان دشواریها خلاص شوند و نمیتوانند آنها را تحمل نمایند . ترس و هراس چنین جریاناتی از برخورد با مسئله زندان در حرف و حدیث از فرق و جدایی زندانبانان و شیوه های شکنجه و گریه و ناله و غم و اندوه از ضربات کابل و شلاق محدود است . آنها گویا در تعجبند که زندانبانان به چه خاطر شکنجه میکنند ؟ و به چه خاطر با زندانبانان بد رفتاری میکنند !؟ این دیدگاه بجای ترویج روحیه مقاومت ، ترس و هراس را گسترش می دهد . انسانیه آن فکر می کند که شکنجه تنها مسئله زندانی سیاسی است . آنهم به آن اندازه از حد تصور به در و طاقت فرسا و ترسناک که غیر قابل تحمل است . این دیدگاه بجای آشکار کردن ماهیت جنایتکارانه رژیم جمهوری اسلامی ، ترس و هراس را تبلیغ کرده و به آن دامن میزند . با چنین برخوردی آنچه چیزی که در مغز انسان جا میافتد و زندان و شکنجه را مجسم میسازد و آنرا تعبیر می کند ، ترس و هراس از فعالیت مبارزه جویانه است و زندان و شکنجه را در فکر انسان تبدیل به سایه ای سیاه و نفرت انگیز همانند سایه مرگ برسر انسان مبارز میسازد . خوابی مخوف که مانع حرکت بسیاری از افراد مبارز در محل کار و زندگی آنها میگردد . یا به تعبیری همان چیزی که خواست رژیم است و هدف شکنجه های فاشیستی ایجاد چنین ترس و هراسی است . بطوری که توده های مردم همواره در ترس و هراس سرکوب شهامت حرکت را در خود نینند . گویا زندانبانان شب و روز در ترس و هراس به خود میلرزند و همواره در فکر خلاصی و رهایی از چنین جهنمی هستند . دیدگاه دوم بطور اساسی زندان را بغوان مرکز مبارزه معرفی نمیکند ، آنها زندان را بغوان مکانی به تمامی جدا از جامع و مسائل مبارزاتی داخل زندان را جدا از مسائل عمومی مبارزه طبقاتی ازریایی میکنند . در حقیقت این دیدگاه در جامعه از مواضع به تمامی اپورتونیستی و فرصت طلبانه منشآت گرفته و بسیار طبیعی است افرادی که با چنین دیدگاهی زمانی که به زندان میافتند بی عمل و پاسیو باشند در مقابل مسائل زندان و تمامی تلاش آنها به

شعر زندان

فلوت یک زندانی

ناله ی فلوت که غم غربت دارد

در بند می پیچد

غم صدا را بلند و آهنگ شاد را

غمزده می کند

فرسنگی دورتر . آن سوی

گذرگاه ها و جویبارها

همسر تنهایی غرق در ماتم

از برجی بالا می رود تا

به خارج خیره شود .

از میان تمام بدبختی ها و مصایب

هیچ کدام بدتر از محرومیت

از آزادی نیست

حتا به خاطر یک کلمه

و یک حرکت زندانی می شوی

و چون اسب و گاو با تو رفتار می کنند .

ملافه ی کاغذی یک زندانی

طومارهای کهنه و کتاب های جدید

مکمل یکدیگر اند

در حقیقت یک ملافه ی

کاغذی بهتر از

هیچ است

آیا شما مردمی که

در بسترهای زربفت و

پشم سبز آرمیده اند

تا به حال به آن زندانی که

حتا نمی تواند یک

چشم برهم زدن هم

بخوابد فکر کرده اید؟

زندگی و شعر عبدالله په شیو شاعر معاصر کردستان عراق



مردم عادی را به يك اندازه جذب مي‌کند،
بخاطر اینکه صدای غمگینانه مصائب
فراموش نشده آنهاست.
اشعار وی عبارتند از:
اشک و زخم ۱۹۶۷
بت شکسته / ۱۹۶۸
شب‌نامه شاعری تشنه/ ۱۹۷۲
شبی نیست که از شما خشمگین نشوم/
۱۹۷۵

دوازده درس برای بچه‌ها/ ۱۹۷۹
شبی نیست که خواب شما را نبینم ۱۹۸۰
برادرکشی / ۱۹۹۴
کاشتن آذرخش / ۲۰۰۰
دیوان اشعار / ۲۰۰۱
دررگاه شامگاه/ ۲۰۰۲
توشه‌ی راه یک عاشق مادرزاد/ ۲۰۰۶
در سال ۲۰۰۶ تمام اشعارش در دو جلد
به نامهای «پشت به پناهگاه رو به
کولاک» که اشعار سال ۱۹۶۵ تا ۱۹۷۹
بودند و همچنین مجموعه «اسبم ابر و
رکابم کوه» که شعرهای ۱۹۸۰ تا
۲۰۰۶ است از او در عراق منتشر
شده است.

مشغول تدریس ان است.
در سال ۱۹۸۵ به مدت پنج سال در
دانشگاه لیبی با سمت استاد ادبیات تطبیقی
را تدریس نمود.
په شیو در سال ۱۹۹۲ بعد از
خودمختاری کردستان عراق به کردستان
بازگشت اما وضعیت را بدتر از آنچه که
تصور می کرد مشاهده نمود . جنگ و
درگیری احزاب کردستان عراق او را
ناامید کرد و برای همیشه کردستان را
ترک نمود . در سال ۱۹۹۵ تاکنون در
کشور فنلاند مقیم است. زبان کردی
تدریس می کند .
شعر او مملو از تصاویر بدیع و همچنین
آکنده از خصوصیات همچون زندگی،
عشق، وطن، غربت، آزادی، مبارزه،
عدالت خواهی و درخشش آهنگ های
فراموش شده‌ی طبیعت پاک انسانی است.
زبان شعر او همچون شاعران همزمان با
او آکنده از فریاد و کوبندگی است و وی با
استفاده از چنین زبانی آنچه را که زشت،
ظالمانه و غیرانسانی است را به زیر
ضرب می کشد . عبدالله په شیو در
اشعارش رنج و محرومیت ملتش را

عبدالله په شیو Ebdulah pesew از
صداهای همیشگی و اصیل شعر امروز
کردستان، سال ۱۹۴۶ در شهر بیرکوت
از توابع استان اربیل کردستان عراق
به دنیا آمد. په شیو هنوز کودکی خردسال
بود که با جنازه‌ی پدرش که از مبارزان
کرد علیه حکومت مستبد عراق بود ،
روبرو شد که تاثیرات خاصی را بر
دیدگاه و زندگی وی بر جای و گذاشت.
سال ۱۹۵۲ در مدرسه خالدیه اربیل
تحصیل خویش را آغاز نمود . در سال
۱۹۶۳ مدتی ترک تحصیل نمود و به
صفوف مبارزین کرد پیوست . در ۱۹۶۶
مدرک دیپلم را اخذ نمود و به دانشگاه
تربیت معلم راه یافت .
در سال ۱۹۶۷ اولین دیوان شعر خویش
به نام «اشک و زخم» را به چاپ
رساند . در سال بعد دومین دیوان
اشعارش به نام بت شکسته را در
کرکوک منتشر نمود . اما در همان سال،
زندگی حزبی و سیاسی خویش را کنار
گذاشت و وقت خویش را به ادبیات
اختصاص داد . در سال ۱۹۷۰ تا ۱۹۷۳
به‌عنوان معلم تدریس نمود .
در سال ۱۹۷۳ به دلایل سیاسی و به
منظور ادامه تحصیل به خارج کشور
رفت : مسکو، پوتسدام، برلین، ورشو،
ترابلس. په شیو از ابتدا در شهر ورونیز
مسکو اسکان یافت و در دانشگاه آنجا
زبان و ادبیات روسی را فرا گرفت . او
توانست در سال ۱۹۸۳ دکترای زبان و
ادبیات کردی را از قسمت خاورشناسی
دانشگاه مسکو اخذ نماید و اکنون نیز

قلم چکش است

هر واژه لام، میسر

هر جا که بیداد باشد

مرکوبم و سوراخ‌میرکنم

صوت تفته هویر

اخبار سیاسی - اجتماعی ترکمن (بهرنگ)

درباره وبلاگ

آخرین اخبار و گزارشات مربوط به کارگران 20 مرداد



صفحه اصلی

مفحه نخست

پست الکترونیکی

آرشیو وبلاگ

اعلانی مطالب وبلاگ

کارگی

توشه شاک پیشینی

مرداد 1390

نیر 1390

خرداد 1390

ارمیهست 1390

فروردین 1390

اسفند 1389

آرشیو موضوعی

آخرین اخبار و گزارشات مربوط به

کارگران

دانشجویان

آخرین اخبار و گزارشات مربوط به ستم

قلمی

آخرین اخبار و گزارشات مربوط به زنان

آخرین اخبار و گزارشات مربوط به ایران

و جهان

برای رویت آخرین اخبار و
گزارشات کارگران - دانشجویان
- ستم ملی - زنان - ایران و
جهان به این وبلاگ مراجعه
کنید این اخبار و گزارشات
روزانه است

<http://behrang12.blogfa.com/>

فقر و گرانی و کمبود مایحتاج عمومی بر دوش کارگران و زحمتکشان میهنان سنگینی میکند . اگر چه در طول مدت حاکمیت جمهوری اسلامی روزی



ارمغان جمهوری اسلامی برای توده های تحت ستم !

سطح

نبوده است که فقر و

فلاکت سایه سنگین خویش را بر سر توده داخلی و چه در سطح بین المللی ادامه ها نگسترانده باشد ، اما هنگامی که با سیاستهای ارتجاعی آن در زمینه های دیگر سیاستهای ارتجاعی جمهوری سیاسی - اقتصادی - اجتماعی - اسلامی علیه توده ها در هم آمیخته میشود فرهنگی و غیره است . گرسنگی و فقر و ، بار سنگین فقر و فلاکت بر دوش توده بیکاری محصول قطعی حاکمیت نظام های کارگر و زحمتکش سنگینتر از هر سرمایه داری و بحران و درهم شکستگی زمان دیگر خواهد شد . جنگ طلبی و آن است . سرمایه داری تنها بر اساس ماجراجویی و سرکوب داخلی ، دزدی و روابط و مناسباتی پایه ریزی گشته است غارت ، بیکاری و بی مسکنی ، فحشا و که جانی از آنرا فقر و خانه خرابی توده هزاران مصیبت اجتماعی همگی ارمغان ها و تبدیل آنان به کارگران را تشکیل حاکمیت جمهوری اسلامی برای توده های میدهد که هیچ سرمایه ای جز نیروی کار مردم ستمدیده بوده و خواهد بود . گرانی خویش را برای فروش به سرمایه داران خارج از حد تصور مایحتاج عمومی و را در اختیار ندارند و برای ادامه زندگی افزایش بی حد و حصر نرخ کالاهای بخور و نمیر خویش مجبور به فروش ضروری توده ها در شرایط بحرانی نیروی کار خویش میگردند و جانب دیگر کنونی ، در شرایطی که جمهوری اینچنین روابط و مناسباتی که سرمایه اسلامی تمامی منابع درآمد کشور را برای داری بر آن استوار است آن سرمایه اهداف ماجراجویانه و توسعه طلبانه و دارانی هستند که با تصاحب ثروت و تداخل در امور کشورهای همسایه و سامان ملی و بکار گیری نیروی اعمال جاسوسی و تروریستی اختصاص سرکوبگر ، اکثریت جامعه را مجبور به داده و به هر صورت ممکن حداقل تحمل طاقت فرساترین شرایط استثمار دسترنج توده های کارگر و زحمتکش را میکنند . واقعیت این است که عامل از آنان ضبط میکند . واقعیتی است که افزایش و گسترش روزافزون گرانی و دئر طول مدت ۳۲ سال حاکمیت فقر ، فرغ بال سرمایه داران در غارت و جمهوری اسلامی ، هر روز گسترش چپاول هر چه بیشتر دسترنج طبقه کارگر میابد < اما عامل گرانی و فقر و فلاکت و تحمیل بودجه های سرکوبگرانه بر توده ها تنها به این و یا آن عمل رژیم دوش کارگران و زحمتکشان میهنان محدود نمیگردد و تمامی اعمال و کردار است . فقر و گرانی زمانی از میان رژیم در چهارچوب تداوم سیاستهای برداشته خواهد شد ، اینهمه درد و رنج ارتجاعی آن ارزیابی میگردد . و بطور زمانی به پایان خواهد رسید که حاکمیت خلاصه تمامی اعمال ارتجاعی و استثمارگرانه و ظالمانه سرمایه داری با سرکوبگرانه جمهوری اسلامی چه در تمامی ابزار و وسایل جهمی و سرکوب

و غارت آن در هم شکسته شود و حاکمیت دمکراتیک توده ها برقرار گردد و کارگران و زحمتکشان سرنوشت اقتصادی و سیاسی خویش را تعیین نمایند .

جمهوری فدراتیو

شورایی ایران

دیکتاتوری

پرولتاریای شهر و

روستا است که برای

امحای سرمایه داری ،

لغو مالکیت

خصوصی بورژوائی

بر ابزار تولید و

مبادله ، محو استثمار

انسان توسط انسان و

استقرار سوسیالیسم

که در آن رفاه ، آزادی

و برابری حق طبیعی

و غیر قابل انکار هر

انسان است و در

چارچوب آن وسیع

ترین آزادیهای سیاسی

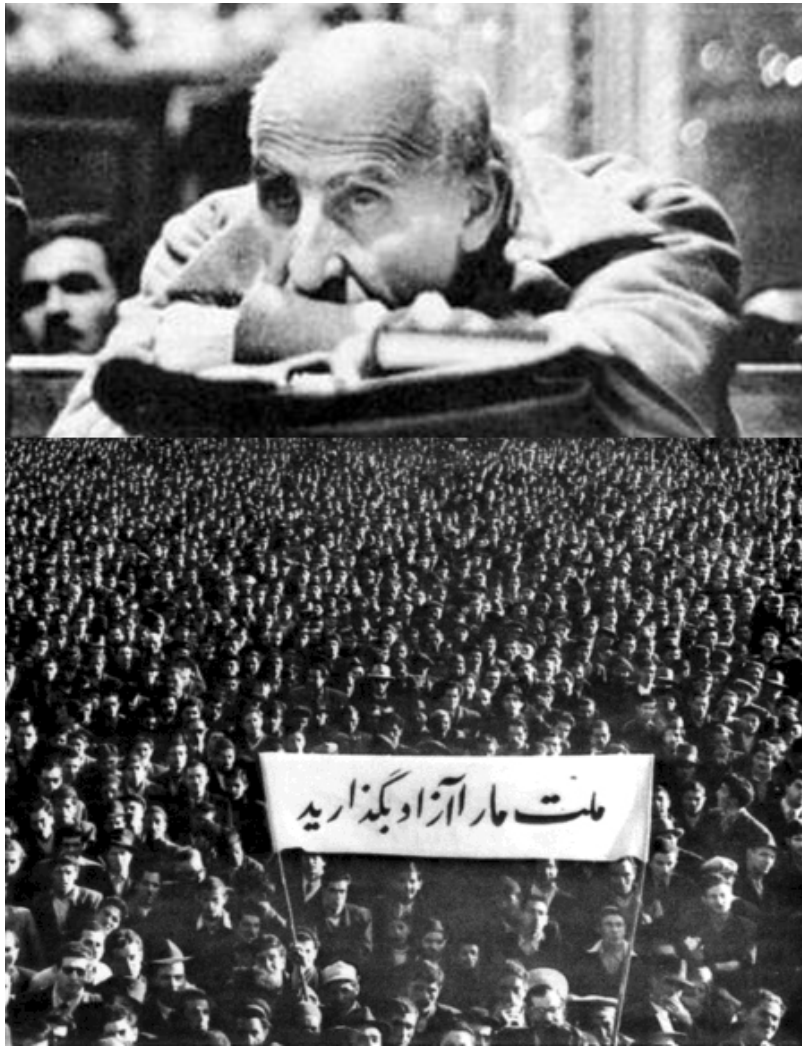
و عقیده و بیان

برسمیت شناخته می

شوند ، تلاش می کنند .

برای اینکه بهتر عوامل کودتای نظامی آمریکایی _ انگلیسی سال ۳۲ بر علیه دولت ملی ایران که نماینده بورژوازی ملی ایران بود و خواستار انجام برخی تغییرات در روابط و مناسبات تولیدی و توزیع در ساختار اقتصادی _ اجتماعی جامعه ایران آن زمان بود ، بشناسیم ، بایستی پروسه تشکیل و استقرار نظام سرمایه داری در ایران و رشد و همچنین کیفیت این رشد را مورد بحث و بررسی قرار دهیم . بهمین منظور بخاطر اینکه این پروسه زنجیره ای از وقایع تاریخی را در بر میگیرد که کودتای ۲۸ مرداد ۳۲ نیز بعنوان یکی از ابزارهای مادی رشد و گسترش شیوه ای از شیوه های حاکمیت سرمایه داری می باشد ، و تاثیر خویش بر رویدادهای بعد از خویش گذاشته است ، لازم است تا اینکه ما بعد از بحث و بررسی پروسه رشد سرمایه داری در ایران و خاتمه حتمی آن به کودتای نظامی ۲۸

پنجاه و هشتمین سالگرد کودتای ۲۸ مرداد ۳۲ و تاثیر آن بر روابط و مناسبات جامعه !



ایران از تغییر به کشوری پیشرفته صنعتی را بگشاید ، از آن به بعد رشد سرمایه داری در ایران نه با تامین دمکراسی و آزادیهای سیاسی و تمدن ، بلکه از راه تمرکز قدرت به انجام رسید . کودتای ۱۲۹۹ که به تاج و تخت رسیدن رضاخان انجامید ، رجعت کشور بسوی دیکتاتوری و تمرکز قدرت و رشد مدرنیزاسیون در جامعه در این چهارچوب را حتمی کرد . تحت تاثیر جنگ جهانی دوم و دوره ای از آزادیهای سیاسی پس از جنگ ، امکان رشد و تکامل بورژوازی ملی در ایران فراهم آمد ، که از وقایع این دوره بعنوان جنبش ملی کردن صنعت نفت و ... میتوان یاد کرد . اما با کودتای ۲۸ مرداد ۳۲ تجدید قبلی قوا بار دیگر آغاز گردید و این بار ایران به تمامی تحت نفوذ امپریالیسم آمریکا در آمد و بوسیله منتتشارهای نظامی ، اقتصادی و ... آمریکایی

اداره گردید . براساس رشد تدریجی روابط و مناسبات بورژوایی در داخل نظام نیمه فئودالی ایران ، اصلاحات ارضی و برخی رفرمهای دیگر بمنظور راحتی و تسهیل کامل تسلط سرمایه داری در دهه چهل ، به انجام رسید . شکست فئودالی و گسترش روابط و مناسبات سرمایه داری در طول دوره سوم شکست رشد سرمایه داری به انجام رسید ، این انقلاب از جانب توده های تحت ستم نبود که نظام فئودالی را در هم شکست و روابط و مناسبات سرمایه داری را حاکم ساخت ، بلکه به دلیل آن رفرمهایی بود که امپریالیسم آمریکا به ارمغان آورده بود و از جانب شاه و حکومت او به اجرا در آمد . رشد سرمایه داری در ایران به علت محرک داخلی بلکه بمنظور پاسخگویی به بحران انباشت وازدید سرمایه در سطح جهانی به انجام رسید . به همین خاطر نه تنها آموزش و تحولات سیاسی بسوی آزادیهای دمکراتیک شکل نگرفت ، بلکه

نقش امپریالیسم روسیه در شمال و انگلیس در جنوب و همچنین اختلاف و تضاد آنها بمنظور تسلط بر منافع طبیعی ، بازار کار ارزان ، در مقیاس و چگونگی رشد نظام سرمایه داری در ایران نقش مهمی ایفا کرد . قراردادهای ۱۸۶۲ _ ۱۸۶۵ _ ۱۸۷۲ _ در مورد خطوط تلگراف ۱۸۸۸ _ راه شوسه ، قراردادهای مربوط به باز پس گرفتن وام و امتیاز تنباکو ، امتیاز شیلات بیمه ، حمل و نقل دریایی ، زمینی ۱۹۰۰ و ۱۹۰۲ گرفتن وامها از روسیه ، بلژیک انگلیس و دهها قرارداد کوچک و بزرگ در این دوره ، وضعیت و زیربنای رشد سرمایه داری در ایران و شیوه و اهداف آنرا تعیین نمود . رشد و تکامل جامعه از فئودالیسم بسوی سرمایه داری که با مقاومت ارتجاع داخلی کشور مواجه شد ، مراحل بسیار سختی را از سر گذراند که با انقلاب و قیامهای پی در پی همانند انقلاب مشروطه که نتوانست راه مستقل

این پروسه تا سقوط تمامیت طبقه بورژوازی ملی در ایران بعنوان یک طبقه در روند اصلاحات ارضی در سال ۴۲ از جانب بورژوازی بزرگ (کمپرادور) و اختلاف ما بین بورژوازی سنتی و بورژوازی بزرگ که ستونهای حاکمیت خویش را بر محو و نابودی منافع و مصالح گروهی بزرگ از اقشار فقیر و تهیدست و متوسط جامعه بدلیل اصلاحات ارضی استوار ساخته بود و میبایست بورژوازی سنتی یا بازار نیز که علیه حاکمیت بورژوازی ملی منافع مشترک بودند و در کودتای ۲۸ مرداد با خود همراهِ ساخته بود به تمام به زیر سلطه خویش کشانده به منظور توزیع کالاهای وارداتی که وظیفه وارد کردن آنها به بازار داخلی برعهده بورژوازی بزرگ بوده است . همزمان با تکامل سرمایه داری به مرحله امپریالیسم و سیطره سرمایه مالی ، زمینه های رشد شیوه تولید بورژوایی در ایران فراهم

از نظر اقتصادی نیز با اتکا به درآمد پای رفرمهای نفت تمرکز انحصاری دولت نیز به قوت بورژوازی در خود باقی ماند. در جریان این تحولات روابط و بورژوازی بزرگ، فنودالسیم تبدیل به مناسبات بورژوازی متوسط شد، تحت حمایت تولیدی جدید شرکتها و بنیادهای مالی و صنعتی در ادغام شده و شهرها و اراضی مکانیزه بزرگ و از همان ابتدا صنایع و شرکتها سهامی کشاورزی و خواستار نتایج غیره روستاها متحد شدند و کشاورزان مثبت آن در مواجهه با تشکلات تازه که بوجود همانند ایجاد آمده بود بسوی شهرها روانه گشتند و کار جدید، بدین طریق روابط و مناسبات سرمایه گسترش داری در روستاهای ایران نیز حاکم دانشگاهها و گشت. تشکلهای انحصاری بوروکراتیک مدارس عالی و ارتجاعی دولتی بعنوان مجری رفرمها، افزایش در، این پروسه را با درد و رنج بسیار آمد و همراه نمود که از قبل میلیونها دهقان و تیه دست پس از تصفیه از جانب

رفرمهای بورژوازی، کوچ آنها بسوی شهرها پیش از آنکه فرصت اندحام در نظام سرمایه داری را به دست آورند با نتایج مخرب رفرمها بر زندگی خویش مواجه شدند. دوم اینکه سرعت رفرمها با اتکا به درآمد نفت در چهارچوب حاکمیت سیاسی که هیچگونه تغییر و تحول بنیادین در آن رخ نداد بود، همچنان در

چهارچوب بنای چند ساختاری ایران قرار داشت بدلیل اینکه در کوتاه مدت خرده بورژوازی شهر خود را در مخمصه از دست دادن سهم خود گرفتار می دیدند، در این میان جمعی کثیر از دهقانان که با سرمایه داری ادغام نگشته بودند و در کارگاهها و کارخانه ها کارگری می کردند، هر چند که از نظر از دهقانان که با سرمایه داری ادغام نگشته بودند و در کارگاهها و کارخانه ها کارگری می کردند، هر چند که از نظر وضعیت اجتماعی و ارتباط شان با ابزار تولید، تغییر بوجود آمده بود، اما از نظر فکری به عقاید ایدئولوژیکی و روانشناسی اجتماعی سنتی پایبند مانده و به گفته ای دیگر یک پای آنها در شهر و پای دیگرشان در روستا بود. اقشار وسیعی از خرده بورژوازی جدید پا به

حزب توده نه نتیجه جنبش انقلابی و رشد و گسترش سازمانهای مارکسیستی، بلکه نتیجه ای ویژه از وضعیت داخلی و بین المللی و همچنین نتیجه گرد هم آمدن مجموعه ای از شخصیتها و افرادی مختلف بود که هر کدام از آنان دارای ایدئولوژی، خصوصیات و ماهیت طبقاتی و اهداف مبارزاتی جدا از هم بودند

انقلاب مشروطه و قیامهای بعد از آن بدلیل محدم رشد طبقه کارگر و نبود آگاهی این طبقه نسبت به خصوصیات و ویژگیهای امپریالیسم و دیگر عوامل، از به انجام رساندن نقش و رسالت تاریخی خویش باز ماند و شکست انقلاب مشروطه و اوضاع بغرنج تا تشکیل حزب عدالت و پس از آن تشکیل حزب کمونیست، فعالیتها موثر سوسیال دمکراتیک در ایران به صغف گرائید. حزب عدالت نتیجه رشد و گسترش گروههای سوسیال دمکراتیک بود، و با گسترش مبارزه طبقاتی در روسیه و پیروزی انقلاب اکتبر، حزب عدالت رشد یافت و تبدیل به حزب کمونیست ایران گشت. حزب کمونیست ایران نتیجه اندحام و رشد و گسترش گروههای سوسیال دمکرات شامل دو جناح سوسیال دمکراسی و کمونیستی بود. به گفته دیگر بلشویسم و منشویسم. تحت تاثیر انقلاب اکتبر، امواج تازه قیام همچون تشکیل دولت (شورایی) جبهه برابر قرارداد رضا خان _ سید رضا نه تنها موجب اختلاف در اولین کنگره حزب کمونیست ایران شد، بلکه موجب

اختلاف در
کمونیست
جماهیر
شوروی که
رویدادهای
ایران را
زیر نظر
گرفته
بود ،
شد از
پلنوم
دوم
که

حزب تاجگذاری رضا خان و تبدیل او به شخصیتها و افرادی مختلف بود که هر اتحاد بزرگترین فئودال آنزمان ، گسترش کدام از آنان دارای ایدئولوژی ، سرکوب و ... موجب تحکیم خصوصیات و ماهیت طبقاتی و اهداف جایگاه کمونیستها مبارزاتی جدا از هم بودند . از آن مهمتر در اینکه آن حزب بمنظور پاسخگویی ضرورت جبهه های ضد فاشیستی و

کودتای ۲۸ مرداد ، شکلگیری دوباره ساختار متمرکز انحصاری دولتی که با سرکوب خونین جنبش کارگری و ترقیخواهانه همراه بود یک دوره رکود طولانی مدت را بر جنبش کارگری تحمیل نمود .

تاثیر
سیاست
حزب

کمونیست
شوروی
به آن
منظور
تشکیل گردید
برنامه آن از

حزب در این زمان ، با سازماندهی و تشکلهای توده ای کارگران و سازماندهی دسته های حزبی در مناطق کارگری نقش بسیار مهمی در تحولات کشور ایفا کرد . اما رضا شاه با تمرکز قدرت سیاسی سرکوب وحشیانه جنبش کارگری و ترقیخواهانه را آغاز نمود و با تصویب قانون سیاه ۱۳۱۰ سرکوب حزب کمونیست و تشکلهای کارگری را آغاز کرد فعالیت کمونیستها تا سال ۱۳۲۰ کاملا ممنوع اعلام شد . این عمل همزمان بود با انحراف حزب کمونیست اتحاد جماهیر شوروی . جنگ دوم جهانی و ورد کشورهای متفق به ایران ، علیرغم تاثیرات مخرب و منفی ، بر ساختار اقتصادی و اجتماعی ایران نیز تاثیر گذار بود . رشد صنایع داخلی در طول این مدت موجب رشد بورژوازی ملی از یک طرف و طبقه کارگر از طرف دیگر شد . در آنزمان ۱۹۲۰ که حاکمیت رضاخان ناقص بود ، برای مدت زمان چند سالی جو باز سیاسی ایجاد شد که موجب تشکیل احزاب ، اتحادیه های کارگری و گسترش مبارزه طبقاتی و ملی و غیره ... گردید . در چنین فضایی بود که حزب توده ایران تشکیل گردید . حزب توده نه نتیجه جنبش انقلابی و رشد و گسترش سازمانهای مارکسیستی ، بلکه نتیجه ای ویژه از وضعیت داخلی و بین المللی و همچنین برخی اوقات نیز دستاورد داشته است .

همزمان با تشکیل کمینترن (انترناسیونال سوم) و بحثهای درونی آن در مورد اتحاد موضع نسبت به جنبشهای آزادیبخش و نقش بورژوازی ملی در آنان ، تزه های معروف حیدر خان (حیدر عمو اوغلو) به تصویب رسید و عملا حزب به دو فکریت و پروگرام جدا از هم تقسیم گردید . بورژوازی ملی پا به پای خرده بورژوازی مرفه و اقتشار و مختلف جامعه روشنفکری ایران که در جنبش دوران مشروطه مشارکت داشت از ترس گسترش جنبش توده ای و به منظور مشارکت در قدرت سیاسی به دنباله روی از رضا خان رفت . در این هنگام بخشی از رهبری حزب کمونیست نیز بدام فریبکاری امپریالیسم انگلیس و مزدوران آن افتادند . آنها رضا خان را فردی دمکرات و ملی میدانستند که به منظور کسب استقلال سیاسی و اقتصادی و ندای جمهوریخواهی پا به میدان سیاست گذاشته است . جناح اپورتونیست بر این باور بود که با وجود دولت رضا خان با حمایت پرولتاریا و حزب کمونیست نه تنها مبارزه ضد امپریالیستی به پیش خواهد رفت ، بلکه گذار مسالمت آمیز بسوی سوسیالیسم به انجام خواهد رسید . طرز تفکری که از همان زمان در حزب کمونیست اتحاد جماهیر شوروی بوجود آمده بود . و در کمینترن در مورد آن بحث شده بود . کنگره دوم حزب کمونیست در سال ۱۳۰۶ تشکیل شد ، ادامه مباحث در کمینترن که در آنجا در مورد جنبشهای بورژوازی ملی موضع رادیکالی اتخاذ کرد ، از طرف دیگر

میلاذ آنکه عاشقانه بر خاک مرد

نگاه کن چه فروتنانه بر خاک می گسترده
 آنکه نهال نازک دستانش
 از عشق
 خداست و پیش عصیانش
 بالای جهنم
 پست است
 آن کو به یک آری می میرد
 نه به زخم صد خنجر
 مگر آنکه از تب وهن
 دق کند

قلعه ای عظیم
 که طلسم دروازه اش
 کلام کوچک دوستی است

انکار عشق را
 چنین که بر سر سختی پا سفت کرده ای
 دشنه مگر
 به آستین اندر
 نهان کرده باشی
 که عاشق
 اعتراف را چنان به فریاد آمد
 که وجودش همه
 باتگی شد

نگاه کن
 چه فروتنانه بر درگاه نجابت
 به خاک می شکند
 رخساره ای که توفانش
 مسخ نیارست کرد
 چه فروتنانه در آستانه تو به خاک می افتد
 آنکه در کمرگاه دریا
 دست
 حلقه توانست کرد
 نگاه کن
 چه بزرگوارانه در پای تو سر نهاد
 آنکه مرگش
 میلاذ پر هیاهوی هزار شهزاده بود
 نگاه کن!



رفیق شهید احمد زیبرم
 ۵۱\۵\۲۸ Ahmad Zabarom

گرامی باد یاد و
 خاطره فدائی بخون
 خفته رفیق احمد
 زیبرم

” ما نمی توانیم با ترحم با دشمنان خلق روبرو شویم.
 کسی که کینه ای بی پایان به دشمنان خلق نداشته باشد.
 نمی تواند از عشق به خلق سخن گوید. ” (رفیق احمد زیبرم)

سپیده دم ۲۸ مرداد سال ۱۳۵۱، رفیق احمد زیبرم برای سازماندهی یک عمل ضربتی، از پایگاه خود خارج شد. مزدوران امنیتی رژیم برای برگزاری بیست امین سالگرد کودتای ننگین، در تمام خیابان های شهر پراکنده بودند. رفیق احمد پس از طی مسافتی با مامورین مسلح دشمن روبرو گردیده با سرعت عمل همیشگی اش سلاح را کشیده و اولین مزدور را از پای درآورد. هنگام ترک محل، با مزدوران دیگری روبرو گردید، اگر چه از ناحیه پا تیر خورده بود، ولی به جنگ و گریز ادامه می دهد. تا اینکه برای آمادگی آخرین نبردش به یک خانه وارد می شود، تا بتواند سنگری امن بسازد. خانه از همه طرف به محاصره نیروهای امنیتی درآمده بود. رفیق احمد اولین دغدغه خاطرش سلامتی افراد مستقر در خانه بود. از اینرو آنها را به زیرزمین خانه هدایت کرده و از زن صاحبخانه، برای بستن زخم هایش درخواست یک چادر می کند. پس از اطمینان از امنیت افراد ساکن خانه، به اطاق برگشته و ساعت ها به نبردی نابرابر ادامه می دهد. در این میان نیز تمام وسائلی را که با خود داشت کاملاً از بین می برد و با آخرین گلوله ای که داشت، به زندگی پرافتخارش پایان می دهد. شاعر بزرگ مردم ایران احمد شاملو، تحت تأثیر زندگی، رفتار، مبارزه و مرگ رفیق احمد زیبرم، در سال ۱۳۵۱ شعر زیر را سرود:

آخرین اطلاعیه ها و خنریات سازمان را از این
 آدرسها دریافت کنید

WWW.kare-online.org

www.fedayi.org

webmaster@fedayi.org

FAX:+46317792571

Kurdistan@fedavi.org

azer@fedayi.org

روابط عمومی

کمیته کردستان

کمیته آذربایجان

سرنگون باد رژیم جمهوری اسلامی

، برقرار باد جمهوری فدراتیو شورائی!